

# فرآیند تدوین اصطلاحنامه

• سید مهدی طاهری

کارشناس مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی



■ محمدی، فخرالسادات؛ علیدوستی، سیروس. فرآیند تدوین اصطلاحنامه. ویراسته لیلا مرتضایی، علی آقابخشی، فاطمه شیخ شعاعی. تهران: پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۸۶، قطع وزیری، ۱۹۵ ص. شابک: ۶-۵۱-۵۱۹-۷۵۱۹-۹۶۴

## مقدمه

نقد کتاب به‌عنوان یکی از سنت‌های علمی و آکادمیک همواره مورد توجه فرهیختگان و صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف دانش بشری بوده است. این سنت که بازخورد و واکنش جامعه علمی به تولید علم را نشان می‌دهد (طاهری، ۱۳۸۳، ص ۷۳)، به‌نوبه خود موجبات ایجاد دانش جدید یا تکمیل دانش قبلی را فراهم می‌آورد. تعامل پدیدآورندگان با مخاطبان به منظور آگاهی از تاثیر اثر نیز از دستاوردهای این سنت است. در همین راستا رسانه‌های گوناگونی از جمله مجلات نقد زمینه‌های لازم برای نقد و تعامل علمی را به‌وجود آورده، پویایی و نشاط جامعه حرفه‌ای را باعث می‌گردند. در منابع امروزی درخواست واکنش و بازخورد پدیدآورندگان از مخاطبان به یک رفتار حرفه‌ای تبدیل شده است. بدون تردید هر اثری در کنار نقدی جامع و دقیق، به اثری کامل تبدیل خواهد شد.

اصطلاحنامه‌ها هم اکنون به‌عنوان یکی از حوزه‌های مورد توجه در فرآیند مدیریت اطلاعات مطرح گردیده‌اند. تمایل و اشتیاق فراهم‌کنندگان نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات به استفاده از اصطلاحنامه‌ها روندی رو به رشد دارد. پیشرفت‌های اخیر فناوری‌های اطلاعاتی بر این روند

تاثیر بسزایی داشته، مباحث و دیدگاه‌های جدیدی را به‌وجود آورده است. تدوین و کاربرد اصطلاحنامه در ایران سابقه‌ای حدود چهار دهه دارد. با وجود این تلاش‌های مربوط به تهیه آثاری که به مباحث نظری و عملی به‌ویژه مباحث روز بپردازد، بسیار محدود بوده، و اکثر آثار موجود ترجمه منابع خارجی است. تقویت و افزایش منابع نظری و آموزشی به رشد این مهم می‌انجامد. در این میان پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران نقشی فعال‌تر نسبت به مراکز حرفه‌ای حوزه اصطلاحنامه در تولید منابع اطلاعاتی مورد نیاز ایفا نموده است. انتشار چندین عنوان کتاب و مقاله بیانگر این مطلب است. جدیدترین اثر در این زمینه با عنوان فرآیند تدوین اصطلاحنامه تألیف دو تن از فعالان حوزه اصطلاحنامه و ویراسته سه تن از متخصصان این حوزه نیز محصول این پژوهشگاه است، که در این مقاله معرفی، و مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

## معرفی اثر

کتاب فرآیند تدوین اصطلاحنامه اثری است مشتمل بر هفت فصل که بنا بر گفته پدیدآورندگان آن قصد دارد تعریفی دوباره از اصطلاحنامه در نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات ارائه نموده و به‌صورت مختصر به فرآیند تدوین اصطلاحنامه بپردازد. فهرست مطالبی نه چندان تفصیلی، همراه با فهرست جدول‌ها و فهرست شکل‌ها، و پیشگفتار، صفحات آغازین اثر را به خود اختصاص داده‌اند. فصل اول اثر به تعریف نمایه‌سازی، انواع نمایه‌سازی از لحاظ هم‌ارایی، زبان نمایه‌سازی، و واژگان کنترل شده می‌پردازد. در فصل دوم تعاریف، اهداف، ضرورت‌ها، نقش‌ها، انواع، و نمایش‌های اصطلاحنامه‌ها ارائه شده‌اند. فصل سوم «استانداردهای تدوین اصطلاحنامه»، با تأکید بر استانداردهای ISO 5964 و Z39.19 را معرفی می‌کند. «تدوین اصطلاحنامه» عنوان فصل چهارم است که مراحل اصلی این فرآیند و روش‌های متداول آن - قیاسی و استقرایی، مواردی که باید هنگام تدوین اصطلاحنامه در نظر گرفته شوند، و مطالبی پیرامون توصیف‌گرها و غیرتوصیف‌گرها، و سایر مباحث مرتبط را مد نظر قرار داده است. فصل پنجم درباره اهمیت و انواع روابط - هم‌ارزی، سلسله‌مراتبی، وابستگی - در اصطلاحنامه‌هاست. فصل ششم به‌طور ویژه فرآیند تدوین اصطلاحنامه‌های چند زبانه را بیان می‌دارد. و فصل هفتم، مبحث مهم مدیریت و روزآمدسازی اصطلاحنامه، را بر اساس استاندارد Z39.19 مطرح کرده است. این اثر دارای واژه‌نامه فارسی به انگلیسی، فهرست منابع، و نمایه‌ای برون یافتی است. در پایان اثر نیز صفحاتی ویژه یادداشت برای استفاده خوانندگان اثر تهیه شده است.

## بررسی نقاط قوت و ضعف اثر

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، نقد یک اثر، بازخورد و واکنش خوانندگان به پدیدآورندگان در مورد ویژگی‌ها و کاستی‌های آثار است، که می‌تواند باعث تکمیل اثر و رشد آنها گردد. این مقاله نیز تلاشی است در این راستا. نگارنده امیدوار است مطالب بیان شده در این مقاله مورد استفاده پدیدآورندگان محترم قرار گرفته و به تقویت اثر کمک نماید. در این بخش نقاط قوت و ضعف اثر به‌طور خلاصه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. نخست نقاط قوت اثر به‌طور کلی و سپس نقاط ضعف آن به تفکیک اجزای اصلی اثر ارائه شده‌اند. در طول مقاله سعی شده معیارهایی متناسب با ویژگی‌های منابع بومی (و نه بر مبنای استانداردهای

بین‌المللی و ایده آل) مورد توجه باشند.

#### نقاط قوت

- نویسنده‌گان اثر از جوانان فعال، و ویراستاران آن از متخصصان حوزه اصطلاحنامه‌ها هستند. ناشر و سازمان پشتیبان اثر نیز از سازمان‌هایی است که تاکنون بیشترین آثار را در این حوزه تهیه و منتشر نموده است.

- شکل ظاهری، و ترتیب اجزای کتاب، صفحه‌آرایی، تعداد بسیار کم اشکالات تایپی و فنی چاپ، و نظایر آن مطلوب می‌نماید.

- وجود جدول‌ها و شکل‌های گوناگون و متعدد فهم مطالب کتاب را آسان نموده است.

- منابع استفاده شده برای تالیف از روزآمدی نسبی برخوردارند.

- دستورات عمل‌ها و معادل‌های فرهنگستان علوم رعایت شده است.

- ابزارهای مناسب برای بازیابی اطلاعات کتاب از جمله چندین فهرست و نمایه، دسترسی به مطالب کتاب را تا حدی تسهیل نموده است.

- استفاده از مثال‌های فارسی، کاربرد پذیری اثر را بالا برده است.

- در ترتیب فصول و عناوین انتخاب شده برای آنها دقت لازم رعایت شده است.

#### نقاط ضعف

در این بخش سعی شده، به منظور استفاده بهینه از مقاله برای پدیدآورندگان و خوانندگان محترم، مطالب به ترتیب اجزای اصلی کتاب ارائه شود. برخی از اشکالاتی که به کل کتاب وارد است در قسمت «متن» اشاره شده است.

**پیشگفتار.** نخستین اجزائی از کتاب که به منظور کسب دیدگاه و آشنایی کلی با اثر توسط خوانندگان حرفه‌ای مطالعه می‌گردد، پیشگفتار و مقدمه هستند. در پیشگفتار - که معمولاً پس از صفحه عنوان و پیش از فهرست مطالب می‌آید - در مورد علت و چگونگی تالیف اثر صحبت، و گاهی اثر با آثار مشابه مقایسه می‌گردد (فتاحی و طاهری، ۱۳۸۴، ص ۳). در مقدمه به عنوان بخشی از متن کتاب، موضوع (های) کتاب را معرفی و خواننده را برای آشنایی با محتوا و ورود به بخش اصلی (متن) آماده می‌سازد. مقدمه معمولاً بعد از فهرست مطالب می‌آید و گاه توسط پدیدآورندگان با پیشگفتار اشتباه گرفته می‌شود (همان، ۱۳۸۴، ص ۴).

در پیشگفتار کتاب مورد بررسی (همچنین واژه‌نامه و نمایه)، علی‌رغم ویرایش اثر توسط سه تن از متخصصان، اشتباهات فاحشی رخ داده و میان مطالب ارائه شده در آن و مطالب ارائه شده در متن تناقض‌ها و تفاوت‌های بسیاری به چشم می‌خورد. عمده‌ترین اشکالات مربوط به پیشگفتار عبارت‌اند از:

(الف) نام این بخش، بر مبنای آنچه قبلاً گفته شد - ماهیت محتوا و ترتیب قرار گرفتن آن (بعد از فهرست مطالب) - باید مقدمه نهاده می‌شد.

(ب) در سطور ابتدایی پیشگفتار (و سایر بخش‌های کتاب)، واژه «نمایه‌سازی» به جای «نمایه‌سازی موضوعی» بکار رفته است. چنانچه بدیهی است نمایه سازی موضوعی - از لحاظ محتوا و پوشش - نوع خاصی از نمایه سازی است (نوروزی، ۱۳۸۰، ص. ۶۷؛ لنکستر، ۱۳۸۲، ص. [۳]) و محتوای این اثر نیز به این نوع از

نمایه‌سازی اختصاص دارد. این مسئله به‌ویژه می‌تواند در درک مطالب اثر برای دانشجویان و خوانندگان جوان مشکل ساز باشد.

(ج) در صفحه هجده، هدف از نگارش اثر «تعریفی دوباره از اصطلاحنامه» در نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات و ارائه مطالبی به صورت خلاصه درباره «فرآیند تدوین اصطلاحنامه» بیان شده است. عنوان اثر و مطالعه متن اثر کاملاً خلاف این ادعا را نشان می‌کند. قسمت عمده محتوای اثر به «فرآیند تدوین اصطلاحنامه» پرداخته و در قسمت‌هایی جزئی به کارکردهای نوین اصطلاحنامه.

(د) کل اثر شامل هفت فصل می‌باشد، درحالی‌که در پیشگفتار یازده فصل بیان شده است. در مورد موضوع‌ها برای مثال، فصل پنجم با عنوان طراحی اصطلاحنامه ذکر شده که چنین فصلی با این نام در کتاب وجود خارجی ندارد. چنین به نظر می‌رسد که برنامه‌ریزی نهایی در مورد محتوای اثر بعد از نگارش پیشگفتار تغییرات عمده‌ای داشته است.

متن. بدنه اصلی هر اثری را متن تشکیل می‌دهد. بنابراین محتوای اصلی اثر و هدف اصلی پدیدآورنده (ها) در متن نمود می‌یابد، نیز تمایز اثر را با سایر آثار مشابه نشان می‌دهد. متن کتاب مورد نقد از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است و در این بخش از مقاله سعی شده به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره گردد.

(الف) محتوای متن بیشتر به یک اثر «گردآوری و ترجمه» می‌ماند تا یک اثر تالیفی، چراکه از تفسیر و تحلیل و اظهار نظر نویسندگان چندان خبری نیست. بیشتر محتوا حالت ترجمه کامل یا خلاصه منابع استناد شده است، بدون تردید اگر نویسندگان برداشت خود را ارائه می‌دادند چنین حالتی به‌وجود نمی‌آمد. نقل قول‌ها و استنادهای متعدد، همچنین تناقض‌ها و تفاوت‌ها میان مطالب ارائه شده که بر روی انسجام مطالب کتاب تاثیر گذاشته، بدون بیان عقیده نویسندگان در مورد این تفاوت‌ها نیز حاکی از این مسئله است.

(ب) در مواردی تکرار مطالب در فصل‌های مختلف و حتی در یک فصل دیده می‌شود. گاهی این تکرارها تعجب‌انگیز است. برای مثال در صفحات ۶۰، ۶۲ و ۱۴۸ کتاب در مورد روش‌های استقرایی و قیاسی در تدوین اصطلاحنامه‌ها سخن به میان رفته است. نکته قابل توجه اینکه این توضیحات با بافت و اصطلاحات متفاوت‌اند. در صفحات ۶۰ و ۶۲ از اصطلاح «روش قیاسی» و «روش استقرایی» استفاده شده و در صفحه ۱۴۸، «حرکت از کل به جزء» و «حرکت از جزء به کل». برای اصطلاح آخر یک یادداشت توضیحی اشتباه نیز نگاشته شده است. در این یادداشت آمده: «در نوشتجات مختلف این روش با عنوان روش قیاسی نیز معرفی شده است». بدیهی است این توضیح مربوط به «حرکت از کل به جزء» است. همچنین تکرار مطالب در سطرهای دهم و یازدهم صفحه ۳۲ با سطرهای چهارم و پنجم صفحه ۳۳.

یا، مطالب ارائه شده در صفحات ۱۴۸-۱۵۱ از فصل ششم (تدوین اصطلاحنامه چندزبانه) خلاصه‌ای است از مطالب فصل چهارم (تدوین اصطلاحنامه). با توجه به مشترک بودن بحث، نویسندگان محترم می‌توانستند با توضیحی در قالب چند سطر یا یک پاراگراف و با ارجاع به فصل چهارم عمل کنند.

(ج) انسجام در نگارش و ترجمه. در «پیشگفتار» ذکر شده: «تلاش بر رعایت دستور خط پیشنهادی از سوی فرهنگستان زبان و ادب



مد (~) برای جلوگیری از تکرار واژه (های) مربوط به شناسه مرجع استفاده شده است. در برخی موارد این علامت‌ها درست بکار نرفته‌اند. مانند: پیش از بیانگرهای «گزینش و محتوا» در ذیل شناسه مرجع «توصیفگر». همان طور که مشخص است واژه مربوط به این شناسه «توصیفگر» است که بدین ترتیب خوانده می‌شود: توصیفگر گزینش و توصیفگر محتوا. یا پیش از بیانگر «چند سلسله مراتبی» در ذیل شناسه مرجع «رابطه سلسله مراتبی». لازم به ذکر است علامت مد (~) معمولاً در نمایه‌های درون بافتی استفاده می‌شوند.

ح) اشکالات تایپی. در نمایه نیز اشکالات تایپی وجود دارد. مثال: وجود علامت‌های قلاب اضافی ([I]) در شناسه مرجع «استانداردهای تدوین [اصطلاحنامه]». شکل مفرد واژه مربوط به شناسه مرجع «توصیفگر» در محل الفبایی خود و شکل جمع آن در ارجاع به آن توسط شناسه نامرجح «اصطلاحات مرجح».

#### سخن آخر

هدف از تدوین نقد حاضر کمک به تقویت کیفی کتاب مورد نقد، رفع کاستی‌های آن در ویرایش‌های بعدی کتاب بود. بدیهی است مطالب ارائه شده از ارزش این کتاب نخواهد کاست و زحمت نویسندگان آن قابل تقدیر است. نگارنده، همانند گذشته، امیدوار است فضای مناسب و ابزارهای نقد منابع تخصصی رشته به منظور تعامل بیشتر نویسندگان و خوانندگان، و در نهایت بهبود کیفیت این منابع گسترش یابد.

#### پی‌نوشت

۱. رای اطلاعات بیشتر بنگرید به: متن گفت‌وگوی صورت گرفته با آقای دکتر عباس حری در مورد «تاریخچه اصطلاحنامه در ایران» در همین شماره.
۲. ایچسن، جین و دیگران (۱۳۸۲). **تدوین و کاربرد اصطلاحنامه**، ترجمه محسن عزیزی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.

#### منابع و مآخذ

۱. طاهری، مهدی (۱۳۸۳). نقدی بر کتاب «فهرست‌نویسی». کتاب ماه کلیات. ش ۸۴، ص ۷۳-۷۹. [پیوسته]. قابل دسترس در: <http://www.ketab.ir/Ketab/E-Magazine/MahFiles/K84.pdf>
۲. طاهری، مهدی (۱۳۸۴). «نقدی بر یک اثر جدید در حوزه فهرست‌نویسی». کتاب ماه کلیات، ش ۹۷-۹۸، ص ۱۲۷-۱۳۳. [پیوسته]. قابل دسترس در: <http://www.ketab.ir/Ketab/E-Magazine/MahFiles/K97-98.pdf>
۳. فتاحی، رحمت الله و مهدی طاهری (۱۳۸۴). **فهرست‌نویسی: اصول و روشها**، ویرایش چهارم. تهران: کتابدار.
۴. لنکستر، اف. دبلیو (۱۳۸۲). **نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی: مبانی نظری و عملی**، ترجمه عباس گیلوری. تهران: چاپار.
۵. نوروزی، علیرضا (۱۳۸۰). **نمایه‌سازی کتاب: راهنمایی برای ناشران**، نمایه‌سازان و کتابداران، تهران: چاپار.

و «غیرتوصیفگرها» در میان واژه‌هایی که با حرف الف شروع شده‌اند (ص. [۱۸۱]).

ز) عدم وجود بعضی از واژه‌های انگلیسی در اصطلاحات انگلیسی مرتبط از جمله واژه «thesaurus» در «discipline oriented» و «mission oriented»؛ واژه «term» در اصطلاح «super-ordinate» و نظایر آن.

ح) اشکالات تایپی در واژه‌نامه. برای مثال «ab initio» صحیح «alphabetic».

**نمایه.** هدف از ایجاد نمایه، سرعت و سهولت بازیابی اطلاعات است (نوروزی، ۱۳۸۰، ص ۱۶). وجود نمایه به‌ویژه در یک اثر تخصصی آن هم در حوزه اصطلاحنامه ضروری می‌نماید. نمایه ارائه شده در این کتاب، یک نمایه برون‌بافتی است که تنها سه صفحه از صفحات کتاب را به خود اختصاص داده است. انتظار می‌رفت در کتابی که توسط سازمان و پدیدآورندگان (نویسندگان و ویراستاران کتاب) متخصص در حوزه نمایه‌سازی به نگارش درآمده، نمایه‌ای بدون نقص، به‌طوری که به عنوان الگویی برای دیگر پدیدآورندگان قرار گیرد، وجود داشته باشد. بررسی نمایه بیانگر آن است که پدیدآورندگان کتاب دقت و توجه کافی را صرف نموده‌اند.

الف) نمایه کتاب بیشتر شبیه فهرستی از عناوین فرعی کتاب است که به صورت الفبایی ترتیب یافته‌اند.

ب) به‌منظور تشخیص بهتر شناسه‌های مرجح از شناسه‌های نامرجح در نمایه، معمولاً شناسه‌های نامرجح با حروف نازک و شناسه‌های مرجح با حروف درشت در نظم الفبایی خود ظاهر می‌شوند. در این نمایه شناسه‌های نامرجح با حروف درشت نمایش داده شده و با علامت پیکان به شناسه‌های مرجحی (با حروف نازک) که بعد از پیکان آمده‌اند، ارجاع داده شده‌اند.

ج. ارجاعات کور (یا مداخل کور). از این نوع ارجاعات در این نمایه به وفور یافت می‌شود. بیشتر ارجاعات شناسه‌های نامرجح به شناسه‌های مرجح این نمایه، ارجاعات کور هستند. مانند: ارجاع از شناسه غیر مرجح «جایگماری عمودی» به شناسه مرجح «رابطه هم ارزی»، در صورتی که هیچ بیانگری در این خصوص وجود ندارد؛ ارجاع شناسه نامرجح «نقشه‌های اصطلاحنامه» به شناسه مرجح «اصطلاحنامه» که هیچ بیانگر مرتبطی ندارد؛ و غیره. همچنین ارجاع کور به جای‌نما: ارجاع بیانگرهای مربوط به شناسه مرجح «هم نویسه‌ها» به صفحات ۱۲۲، حال آن که صفحه ۸۷ صحیح است. د. ارجاع دور (یا تسلسل). از این نوع ارجاعات نیز در این نمایه به وجود دارد. به عنوان مثال: ارجاع شناسه نامرجح «چارت کادری» به «ساختار مستطیل»، و ارجاع شناسه نامرجح «ساختار مستطیلی» به شناسه مرجح «اصطلاحنامه».

هـ) عدم رعایت نظم الفبایی. شناسه مرجح «جست و جو» در ترتیب الفبایی شناسه‌هایی قرار گرفته که با حرف کاف شروع می‌گردند.

و) ارجاعات نادرست. ارجاع شناسه نامرجح «انتخاب اصطلاحات» به **بیانگر** «گزینش اصطلاحنامه». [صحیح: اصطلاحات] «مربوط به شناسه مرجح اصطلاحات».

ز) پیش و پس از بیانگرها در ذیل شناسه‌های مرجح از علامت